

کریم تر از حاتم

۲۶ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۳۷

گفت: «بلی، روزی در خانه غلامی یتیم فرود آمدم و وی ده گوسفند داشت. فی الحال یک گوسفند بکشت و بیخت و پیش من آورد. مرا قطعه‌ای از آن خوش آمد، بخوردم»

حاتم را پرسیدند که: «هرگز از خود کریمتر دیدی؟»

گفت: «بلی، روزی در خانه غلامی یتیم فرود آمدم و وی ده گوسفند داشت. فی الحال یک گوسفند بکشت و بیخت و پیش من آورد. مرا قطعه‌ای از آن خوش آمد، بخوردم.»

گفتم: «والله این بسی خوش بود.»

حاتم ادامه داد: «غلام بیرون رفت و یک یک گوسفند را می‌کشت و آن موضع را می‌پخت و پیش من می‌آورد و من از این موضوع آگاهی نداشتم. چون بیرون آمدم که سوار شوم، دیدم که بیرون خانه خون بسیار ریخته است. پرسیدم که این چیست؟»

گفتند: «وی همه گوسفندان خود را بکشت.»

وی را ملامت کردم که: «چرا چنین کردی؟»

گفت: «سبحان الله ترا چیزی خوش آید که من مالک آن باشم و در آن بخیلی کنم؟»

پس حاتم را پرسیدند که: «تو در مقابله آن چه دادی؟»

گفت: «سیصد شتر سرخ موی و پانصد گوسفند.»

گفتند: «پس تو کریمتر از او باشی!»

گفت: «هیئات! وی هر چه داشت داده است و من از آن چه داشتم و از بسیاری، اندکی بیش ندادم.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۲۷۳/حاتم-تر-کریم>